

## زورآزمایی جناحهای حکومتی و منافع کارگران و مزدبگیران

زینت میرهاشمی

یکشنبه ۷ تیر ۱۳۸۸

نمایش انتخاباتی که در ۲۲ خرداد ۸۸ برگزار شد، تبدیل به طغیان خشم فرو خورده توده های مردم در خیابانها شد که مهار آن از دست ساکنداران نظام خارج شده است. سیل خروشان مردم که طی سه دهه برشانه های خود، بی عدالتی، فقر، نابسامانی، ستم، سرکوب، توهین و تحقیر را به اجبار حمل کرده بودند، با گامهای استوار بر شکاف درون قدرت جاری شده و فضایی برای اعتراض همگانی یافتند. شعار «نترسید، نترسید ما همه با هم هستیم» نشانه همبستگی مردم در مقابل سرکوب نظام است.

از این روزهای پر التهاب کمی به عقب برگردیم. شدت جدال بین باندهای درون قدرت خود را در تیزی چاقوی جراحی باند ولایت فقیه نشان می دهد. احمدی نژاد، گماشته ولی فقیه، نقش یک پارچگی نظام را همراه با پادگانی کردن دولت، به اجرا در آورد. جناحهای مقابل در برابر این یک پارچگی صف آرایی کردند. صف حمایت کنندگان از کاندیداها منافع سیاسی و اقتصادی جناحهای مختلف را نشان می دهد. طی ۴ سال دولت احمدی نژاد در خشن ترین شکل، به طور آشکار به مقابله با مردم و جنبشهای رو به رشد آن پرداخت. احمدی نژاد با تکیه بر حمایت بی دریغ ولی فقیه چنان تصویر بی رحمی از خود برجای گذاشت و چنان نفرتی در مردم ایجاد کرد که رقیبانش سوار بر این نفرت همگانی شدند.

هر ۴ کاندیدای این نمایش از درون نظام بودند. خصلت دعوای آنها با هم بر سر میزان شرکتشان در هرم قدرت و ثروت با همین قانون اساسی و تقسیم بهره بری از مردم بر می گردد. این بار، شرایط جامعه با دوره های دیگر متفاوت است. از سرکوب دانشجویان در دوران ریاست جمهوری خاتمی در تیر ماه سال ۸۷ تا خرداد ۸۸، جنبشهای اجتماعی رو به جلو رفته است. سندیکای کارگران شرکت واحد اتوبوسرانی، سندیکای کارگران هفت تپه، و بسیاری کمیته های دیگر شکل گرفته است. مبارزه کارگران شرکت نیشکر هفت تپه، کارگران لوله سازی اهواز و ... نوعی هموردی با سرمایه داران و در راس آن دولت به مثابه سرمایه دار بزرگ بوده است. کوشندگان جنبش کارگری علیرغم سرکوب سیستماتیک اقدام به برگزاری جشن روز کارگر و اعلام خواسته هایشان نمودند. اعتراضهای کارگری به طور مرتب برای دریافت حقوق عقب افتاده جریان داشته است. جنبش دستمزد عادلانه در خور توجه بود. امضا گیری تعداد بسیاری از کارگران برای برخورداری از دستمزدی عادلانه اقدامی نو بود. صدها اعتراض کارگری صورت گرفته است که به طور مرتب و ماهانه انعکاس یافته است. جنبش زنان برای تغییر قوانین به نفع زنان، جریان داشته است. جنبش دانشجویی لحظه ای آرامش نداشته است. شعار «ما زن و مرد جنگیم به جنگ تا جنگیم» و شعارهای «مرگ بر دیکتاتور» و نیز بی ابرویی احمدی نژاد در جمع دانشجویان از رویدادهای مهم در سالهای اخیر است. برآورد این هموردطلبی اجتماعی، دستگیری، ضرب و شتم و نیز حبس و شلاق کارگران فعال بوده است. وجود زنان و دانشجویان و ... در زندانها، همه نشان از التهابی است که در جامعه جریان داشته است. جدال دو قطب قدرت بر بستر چنین التهابی خود را چنین لخت و عریان به نمایش می گذارد.

کاندیداها شعار هایشان را طوری مطرح می کردند که به نوعی از خشم مردمی در رابطه با حکومت دور نباشد. آنها در برنامه هایشان از حقوق کارگران و مزدبگیران حرف نزدند، در برابر دستمزد ناعادلانه موجود حرف نزدند. هیچ کدامشان از سرکوب و شلاق زدن فعالان کارگری عرق شرم بر پیشانی نشان ننشست. هیچ کدامشان از تغییر قانون به نفع آزادی بیان، رعایت حقوق اقلیتها، انتخابات آزاد با شرکت همه نیروها، آزادی زندانیان سیاسی، کشتار و جنایت سه دهه حرف نزدند. پایوران رژیم که باید در یک محکمه عادلانه همراه با وکیلشان برای پاسخگویی به این همه جنایت و نابسامانی حاضر باشند، برای تعیین سرنوشت مردم به جدال پرداختند.

میرحسین موسوی در صحبتهای خود از بیکاری صحبت کرده و آن را دلیل نابسامانیهای جامعه دانسته است. اما هیچ برنامه ای برای رفع بیکاری، به راه اندازی چرخ تولید نداده است. بحران اقتصادی که واحدهای تولیدی در آن گرفتارند دستاورد سیاست خصوصی سازی و جا به جایی آن در میان دستان آفازده ها و وابستگان حکومتی، باندهای مافیای واردات و ناتوانی رقابت تولیدات داخلی با

واردات، است. تشکیل سندیکای کارگران، تشکلهای مستقل کارگری به عنوان حقوق ابتدایی کارگران و مزدبگیران برای دفاع از حقوقشان در میان برنامه های کاندیداها جای نداشت. موسوی اشاره ای به سیاستهای خارجی ماجراجویانه و هزینه بردار و نیز پروژه هسته ای که هزینه زیادی بر دوش مردم تاکنون گذاشته است صحبتی به میان نیاورده است. در نهایت هر کدام این جناحها در یک نقطه شریکند. در این که چگونه سیاستهای اقتصادیشان را با سازمان جهانی تجارت و نئولیبرالیسم بیشتر همساز کنند. به همین دلیل موسوی از عدم پیشرفت خصوصی سازی و این که دولت خودش را رقیب بخش خصوصی می داند حرف می زند.

در مناظره های تلویزیونی بین کاندیداها بخشی از دزدیها بر ملا شد. احمدی نژاد که حمایت مستقیم سپاه پاسداران و خامنه ای را دارد از نقطه ای به طرف مقابلش حمله کرد که موضوع تنفر مردم بوده و هست. موضوع دزدیها، رانت خواری و چپاولگری توسط خاندان هاشمی رفسنجانی. میرحسین موسوی از گزافه گوئیهای احمدی نژاد در رابطه با کشورهای غربی به احمدی نژاد حمله کرد که این موضوع مورد تمسخر مردم است. در حقیقت هر دو طرف با سوار شدن بر تنفر عمومی نسبت به طرف مقابل سعی می کنند مردم را فریب دهند. میرحسین موسوی از حرفها و رفتار تمسخر آمیز احمدی نژاد در رابطه با کشورهای دیگر یاد می کند اما هیچ حرف روشنی در رابطه با پرونده هسته ای، ماجراجوییهای رژیم در منطقه و کشورهای همسایه و سیاستهای تروریستی تاکنونی جمهوری اسلامی به میان نمی آورد. احمدی نژاد از رانت خواری و چپاولگری در دوره هاشمی رفسنجانی و خاتمی حرف می زند در حالی که در دوران صدارت او، مافیای سپاه پاسداران و دلالتان واردات، بیشترین ضربه را به اقتصاد زدند و فاجعه تعطیلی قدیمی ترین واحدهای تولیدی را آفریدند.

ناپیدا شدن یک میلیارد دلار از درآمد نفت در سال ۱۳۸۵، در دولت احمدی نژاد و رانت خواری و ثروت باد آورده خاندان هاشمی هم از موضوعهای مورد جدل بود.

بدون شک پایوران نظام ورشکسته و بحرانی موجود به خوبی آگاهند که ماهیت اعتراضهای مردمی، مشتتهای گره کرده آنها و سینه های سپر کرده شان در مقابل گلوله ها، از مرزهای سرخ این رژیم می گذرد. هر کسی که صندلی ریاست را کسب کند یا برای کسب آن تلاش کند، با جنبشی روبرو خواهد بود که قدرت خود را در برابر چکمه ها به نمایش گذاشته است.

حق تشکل یابی و سندیکاهای مستقل کارگری، حق اعتصاب، برخورداری از دستمزدی عادلانه، حق کار، امنیت شغل، مشارکت کارگران در مدیریت و نهادهای جامعه، از ابتدایی ترین خواسته های کارگران و مزدبگیران است که باید به رسمیت شناخته شود.

زینت میرهاشمی

اول تیر ۱۳۸۸

[Zinat\\_mirhashemi@yahoo.fr](mailto:Zinat_mirhashemi@yahoo.fr)